

# امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه بیست و ششم  
فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی  
۹۵/۹/۱۸



### شرط دیگر: نصاب مال مسروقه

یکی دیگر از شرائط قطع ید در سرقت این است که مال مسروقه به حد نصاب برسد. تعیین نصاب برای مال مسروقه اجماع هر دو طایفه است ولی در این که این نصاب چه مقدار است اختلاف شدیدی بین اصحاب و نیز بین اهل سنت وجود دارد. اما قول مشهور همان ربع دینار است. تحقیق در این مسأله گرچه مربوط به باب سرقت کتاب الحدود است ولی نظر به این که تضارب آراء متأخران و متقدمان در این مسأله گسترده بوده و فوائد خاصی بر طرح آن عائد است لذا به بحث آن در این مجال می پردازیم.



دسته اول: روایاتی که بر ربع دینار دلالت دارند:

در منابع حدیثی اهل سنت از جمله صحیح بخاری (م. ۲۵۶) . صحیح مسلم (م. ۲۶۱) و ابن ماجه (م. ۲۷۳) نیز احادیثی شبیه همین روایات آمده است. از آن جمله:

۹- حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ عَنْ ابْنِ وَهْبٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ وَعَمْرَةَ عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ «تُقَطَّعُ يَدُ السَّارِقِ فِي رُبْعِ دِينَارٍ» این حدیث با سه سند از عائشه نقل شده است.



دسته اول: روایاتی که بر ربع دینار دلالت دارند:

همچنین در احادیثی به قیمت سپر اشاره شده است:

۱۰- حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا عَبْدَةُ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ أَخْبَرْتَنِي عَائِشَةُ أَنَّ يَدَ

السَّارِقِ لَمْ تُقَطَّعْ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِلَّا فِي ثَمَنِ مِجَنٍّ حَجَفَةٍ أَوْ تُرْسٍ.

۱۱- وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّوَّاسِيُّ عَنْ هِشَامِ

بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ لَمْ تُقَطَّعْ يَدُ سَارِقٍ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ - فِي أَقَلِّ مِنْ ثَمَنِ الْمِجَنِّ حَجَفَةٍ أَوْ تُرْسٍ وَكِلَاهُمَا ذُو ثَمَنِ.

معانی بعض الكلمات: التُّرس: ما كان يتوقى به في الحرب الحجفة: الترس من جلد بلا خشب و هو

نوع من السلاح



### دسته اول: روایاتی که بر ربع دینار دلالت دارند:

از این روایات استفاده می‌شود که معیار قطع دست ربع دینار است  
سؤال آیا ثمن کلاه خود یا سپر موضوعیت دارد یا طریق به ربع دینار است

جواب: دو احتمال در معنای روایات:

۱- ذکر کلاه خود از باب رویدادی بوده که زمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اتفاق افتاده و خصوصیتی ندارد همان طور که ذکر سپر (چوبی و غیر چوبی) خصوصیتی نداشته است و معیار ارزش آن سپر بوده است.

۲- معیار قیمت کلاه خود یا سپر است بنابر این اگر روزی قیمت این دو کالا بیشتر یا کمتر از ربع دینار شد همان معیار است.

این تقریب گرچه در روایات اول تا چهارم محتمل است ولی در روایات ششم و هفتم سخنی از این دو کالا نیست. پس معلوم می‌شود ذکر کلاه خود و سپر از باب مثال برای ربع دینار در زمان خودش بوده نه این که یکی از این دو موضوعیتی در حکم داشته باشد. همچنین ذکر دو نوع کالای مختلف یکی کلاه خود و دیگری سپر خود نشان از آن دارد که ذکر هر یک از این دو از باب طریقت به ربع دینار است و موضوعیتی ندارد و گرنه باید یکی از آن دو ذکر می‌شد.



### دسته اول: روایاتی که بر ربع دینار دلالت دارند:

نکته دیگر این که روایت اول و پنجم حاکی از فعل امیر المؤمنین علیه السلام در موردی خاص است که سرقت کلاه خود بوده و نشان نمی‌دهد که کمتر یا بیشتر از ربع دینار حکمش چیست. البته در روایت هفتم ذکرى از کلاه خود نیست و فعل استمرارى حضرت به ربع دینار ذکر شده است.

نکته سوم این که برخی از این روایات صرفاً لسان اثبات دارد ولی برخی دیگر علاوه بر لسان اثبات حد به ربع دینار نفی حد از کمتر از آن نیز دارد. این روایات عبارتند از روایت پنجم یعنی روایت علی بن ابی حمزه و روایت ابو بصیر در ذیل آن و روایت ششم روایت محمد بن مسلم و روایت هشتم. تعبیر لا یقطع و ادنی ما یقطع تعابیری هستند که حد را از کمتر از ربع دینار نفی می‌کنند.



دسته دوم: روایاتی که بر خمس دینار دلالت دارند:

۱- عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ  
عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَذْنَى مَا يُقْطَعُ فِيهِ يَدُ  
السَّارِقِ خُمُسُ دِينَارٍ.

روایت دارای دو سند است که به هم عطف شده است ایبه در سند عطف به محمد بن عیسی است و سند دوم صحیح است. سند دوم نیز بنابر این که اصحاب اجماع از جمله یونس بن عبدالرحمن از او روایاتی نقل کرده‌اند موجب توثیق عام محمد بن حمران است.

۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ (أَبِي) عَبْدِ اللَّهِ وَ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع مِثْلَهُ.  
سند روایت عطف دارد و احمد بن (ابی) عبدالله مجهول است ولی سند به دلیل عطف فضاله بن ایوب صحیح است.



دسته دوم: روایاتی که بر خمس دینار دلالت دارند:

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَقَلُّ مَا يُقْطَعُ فِيهِ الرَّجُلُ خُمُسُ دِينَارٍ.  
سند روایت مرسل است.

۴- يُونُسُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَذْنَى مَا تُقْطَعُ فِيهِ يَدُ السَّارِقِ خُمُسُ دِينَارٍ وَ الْخُمُسُ آخِرُ الْحَدِّ الَّذِي لَا يَكُونُ الْقَطْعُ فِي دُونِهِ وَ يُقْطَعُ فِيهِ وَ فِيمَا فَوْقَهُ.

سند روایت صحیح است بنابر آنچه در حدیث اول در باره محمد بن حمران بیان شد.



دسته دوم: روایاتی که بر خمس دینار دلالت دارند:

5- وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يُقْطَعُ السَّارِقُ فِي كُلِّ شَيْءٍ بَلَغَ قِيمَتُهُ خُمُسَ دِينَارٍ وَ إِنْ سَرَقَ مِنْ سُوقٍ أَوْ زَرْعٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ.

سند روایت صحیح است و ضمیر عنه به حسین به سعید برمی گردد. طریق شیخ به او نیز در تهذیب صحیح است. همین حدیث در استبصار نیز آمده که به جای سوق در کلمه دوم کلمه ضرع آورده شده است.

شیخ طوسی در نقد این احادیث آورده است:

فَالْوَجْهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ أَنَّ نَحْمِلَهَا عَلَى ضَرْبٍ مِنَ التَّقِيَّةِ لِأَنَّهَا مُوَافِقَةٌ لِمَذْهَبِ بَعْضِ الْعَامَّةِ وَ يَحْتَمِلُ هَذِهِ الْأَخْبَارُ أَنْ تَكُونَ مُخْتَصَّةً بِمَنْ يَرَى الْإِمَامَ مِنْ حَالِهِ أَنَّ الْمَصْلَحَةَ تَقْضِي فِيهِ قَطْعَ يَدِهِ فِيمَا هَذَا قِيمَتُهُ لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ فَرَائِضِهِ الَّتِي يَقُومُ بِهَا هُوَ أَوْ مَنْ يَأْمُرُهُ هُوَ بِهِ وَ الَّذِي يَكْشِفُ عَمَّا ذَكَرْنَاهُ مَا رَوَاهُ

در حالی که در هیچ یک از احادیث اهل سنت خمس دینار نیامده است.



دسته دوم: روایاتی که بر خمس دینار دلالت دارند:

6- و عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام، أنّهما قالا: «أدنى ما يقطع فيه السارق،

خُمس دینار أو ما قيمته خُمس دینار.

سند هر دو روایت مرسل است



دسته سوم: روایاتی که بر ثلث دینار دلالت دارند:

۱- الحسین بن سعید، عن عثمان بن عیسی، [عن سماعة]، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «قطع أمير المؤمنين عليه السلام رجلاً في بيضة. قلت: و أي بيضة؟ قال: بيضة حديد قيمتها ثلث دينار. فقلت: هذا أدنى حد السارق؟ فسكت.»

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَلَى كَمْ يُقَطَّعُ السَّارِقُ قَالَ أَذْنَاهُ عَلَى ثُلْثِ دِينَارٍ.

۳- سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن أدنى ما يقطع فيه السارق؟ فقال: ثلث دينار



## جمع بین روایات:

۱- شیخ طوسی در جمع بین سه دسته از این احادیث روایات ربع را ترجیح داده و در باره روایات خمس دینار آورده است:

فَالْوَجْهُ فِي هَذَا الْخَبَرِ (ثَلَاثَ دِينَارٍ) أَنَّهُ لَا يَمْتَنَعُ أَنْ يَكُونَ هَذَا حِكَايَةً حَالٍ سُئِلَ عَنْهَا وَهُوَ مَا قَطَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَاقِلٌ لِلْسَّائِلِ ثَلَاثُ دِينَارٍ وَلَا يَكُونُ إِخْبَارًا عَنْ أَنَّ هَذَا حَدُّهُ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَالَّذِي يَكْشِفُ عَنْ ذَلِكَ أَنَّ سَمَاعَةَ قَدْ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَاقِلَ الْبَيْضَةِ الَّتِي قَطَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَاقِلَهَا وَذَكَرَ أَنَّ قِيمَتَهَا كَانَتْ رُبْعَ دِينَارٍ

فَالْوَجْهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ (خَمْسَ دِينَارٍ) أَنَّ نَحْمِلَهَا عَلَى ضَرْبٍ مِنَ التَّقْيَةِ لِأَنَّهَا مُوَافِقَةٌ لِمَذْهَبِ بَعْضِ الْعَامَّةِ وَيَحْتَمِلُ هَذِهِ الْأَخْبَارُ أَنْ تَكُونَ مُخْتَصَّةً بِمَنْ يَرَى الْإِمَامَ مِنْ حَالِهِ أَنَّ الْمَصْلَحَةَ تَقْضِي فِيهِ قَطْعَ يَدِهِ فِيمَا هَذَا قِيمَتُهُ لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ فَرَائِضِ الَّتِي يَقُومُ بِهَا هُوَ أَوْ مَنْ يَأْمُرُهُ هُوَ بِهِ وَالَّذِي يَكْشِفُ عَمَّا ذَكَرْنَاهُ مَا رَوَاهُ



## جمع بین روایات:

رد قول شیخ:

- ۱- در هیچ یک از احادیث اهل سنت خمس دینار نیامده است.
- ۲- در روایات اهل سنت ربع دینار آمده است
- ۳- خود اهل سنت اختلاف دارند و جایی که آنها اختلاف دارند حمل بر تقیه مشکل است.

مجلسی اول (محمد تقی م. 1070): یشکل الحمل لأن العامة مختلفون فيه كالخاصة



## جمع بین روایات:

قول دوم: تقدم روایات خمس دینار چون:

- ۱- سکوت امام در روایات ربع دینار حمل بر تقیه می شود
- ۲- هر ادنی می تواند یک ادنی دیگر داشته باشد.
- ۳- روایات ثلث حمل بر نظر خاص امام در آن واقعه می شود.



جمع بين روايات:

قول سوم: يجوز في الخمس و يجب في الربع

به دليل قول امام كه فرمود:

يُونُسُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَذْنَى مَا تُقَطَّعُ فِيهِ يَدُ  
السَّارِقِ خُمُسُ دِينَارٍ وَ الْخُمُسُ آخِرُ الْحَدِّ الَّذِي لَا يَكُونُ الْقَطْعُ فِي دُونِهِ وَ يُقَطَّعُ فِيهِ وَ فِيمَا  
فَوْقَهُ.



والحمد لله رب العالمين